

معرفی و بازنشر متون و منابع تاریخی

# انکشافات سفرِ سهام‌الدوله، به گرگان

گزینش و تدوین: سیدمرتضی کاتب اصفهانی



■ محدثه میرحسینی

مدیر گروه معماری و هنر  
دانش نامه گلستان

یارمحمدخان ایلخانی شادلو (۱۳۲۱-۱۳۴۳ق)، ملقب به «سردارمفخم» و «سهام‌الدوله» و مشهور به «سهام‌الدوله بجنوردی»، فرزند یزدانقلی خان شادلو، از خان‌زادگان گُرد بجنورد (گُرمانج) بود، که اجدادش در اواخر دوران سلطنت محمدشاه قاجار برای حراست از قلعه کلات به خراسان کوچانده شدند و علاوه بر آن که در شمال خراسان تیولاتی به آن‌ها داده شد، حکومت بجنورد و شمال خراسان نیز به آنان واگذار گردید. پدر یارمحمدخان، موسوم به یزدانقلی خان شادلو، فرزند نجفعلی خان شادلو بود. نجفعلی خان شادلو مدتی حاکم بجنورد بود، پس از او پسر ارشدش جعفرقلی خان ایلخانی و پس از جعفرقلی خان نیز پسر دیگر نجفعلی خان؛ یعنی حیدرقلی خان حسام‌الدوله به حکومت بجنورد منصوب شد. مدتی بعد حیدرقلی خان ایلخانی لقب «سهام‌الدوله» دریافت کرد و تا سال ۱۲۹۰ق بر منطقه بجنورد و شمال خراسان و گاهی بخش‌هایی از شرق دشت گرگان حکومت می‌کرد. پس از حیدرقلی خان برادرزاده‌اش یارمحمدخان، به حکومت بجنورد منصوب گردید. درواقع یارمحمدخان ایلخانی پس از پدربزرگ و دو عموی خود، در سال ۱۲۹۰ق به حکومت بجنورد منصوب شده و لقب «سهام‌الدوله» را نیز که لقب عمویش حیدرقلی خان بود، دریافت کرد. سهام‌الدوله در زمان حکومت بر بجنورد و شرق دشت گرگان، چندین بار مأمور سرکوب شورش‌های تراکمه‌ی دشت گرگان شد و مدتی نیز علاوه بر حکومت بجنورد و دشت گرگان، سرپرستی حکومت استرآباد را نیز برعهده داشت. سهام‌الدوله در سال ۱۳۲۱ق در بجنورد درگذشت و به جای او پسرش عزیزاله خان شادلو به حکومت بجنورد رسید.

از دوران حکومت سهام‌الدوله آثار معماری متعددی در بجنورد و اطراف آن برجای مانده، که از آن جمله می‌توان به عمارت سردارمفخم، آینه‌خانه مفخم، گنبد مجموعه بش قارداش و... یاد کرد.

علاوه بر این، از سهام‌الدوله ایلخانی در دوران حکومت بر بنجورد و گرگان و استرآباد، اسناد و مکاتبات متعددی برجای مانده و سفرنامه‌های از او نیز به یادگار است.

در بین نُسَخ دست‌نویس موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه‌ای دست‌نویس مشتمل بر مطالب متنوع و پراکنده وجود دارد، که بخشی از این مطالب، متن مکاتبات و مراسلات دوران قاجار است. در صفحه‌ای از این مجموعه، رونوشت چهار مکتوب از یارمحمدخان سهام‌الدوله به خط سیدمرتضی کاتب اصفهانی وجود دارد، که یک مورد از این پنج مکتوب در باب وقوع سیل و بارش برف در اردیبهشت‌ماه سال ۱۲۶۳ خورشیدی، در منطقه بنجورد است. اما سه مورد دیگر در ارتباط با عجایب و غرایبی است که سهام‌الدوله در بازدید از سرزمین گرگان و دشت با آن مواجه شده است. شواهد حاکی از آن است که در سال ۱۳۰۱ هجری (۱۲۶۳ خورشیدی) از سهام‌الدوله خواسته شده عجایب و غرایبی که در مقر حکومت خود دیده را گزارش کند و او نیز طی چندین مکتوب، به ثبت و گزارش این عجایب و غرایب پرداخته و برای شخص نامعلومی ارسال داشته است. به هر روی، سیدمرتضی کاتب اصفهانی، که ظاهراً به متن گزارش‌های ارسالی سهام‌الدوله دسترسی داشته، بخشی از این گزارش‌ها را به عنوان نکات خواندنی، در یک مجموعه‌ی جُنگ‌مانند ثبت و ضبط کرده است. سیدمرتضی کاتب، نه به قصد بازنویسی مکاتبات سهام‌الدوله، بلکه به جهت ثبت نکاتی که برای خواننده جذاب است، بخش‌هایی از مکاتبات سهام‌الدوله را گزینش و استخراج کرده، مجموع بخش‌های گزیده را در امتداد یکدیگر آورده و نام آن را «انکشافات سفر گرگان یارمحمدخان سهام‌الدوله بنجوردی» گذاشته است. ترتیب مندرجات در این گزیده بدین طریق است:

۱- توصیف ویژگی‌های برج قابوس (۱۶ خرداد ۱۲۶۳- ۱۰ شعبان ۱۳۰۱)

۲- وقوع سیل و بارش برف در بنجورد (اردیبهشت‌ماه ۱۲۶۳- رجب ۱۳۰۱)

۳- مأموریت گرگان و احداث عمارت، برای تشویق ترکمن‌ها به یکجانشینی (بدون تاریخ- ۱۰ شعبان ۱۳۰۱)

۴- کشف آجرهای قطور و بزرگ در مجاورت برج قابوس (۱۶ خرداد ۱۲۶۳- ۱۰ شعبان ۱۳۰۱)

باتوجه به این‌که این یادداشت‌ها حاوی اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با موضوعاتی چون برج قابوس، پیشینه شهر گنبد و تاریخچه یکجانشینی ترکمن‌های ایران است، در ادامه متن گزینشی سیدمرتضی کاتب ارائه خواهد شد، تا در پژوهش‌های آینده مورد استفاده‌ی پژوهشگران قرار گیرد. یادآوری می‌شود یادداشت «انکشافات سفر سهام‌الدوله به گرگان» بخش‌هایی است از مکاتبات و

مراسلات یارمحمدخان سهام‌الدوله بجنوردی، که همگی بنابر درخواست شخصی نامعلوم، در تاریخ ۱۰ شعبان ۱۳۰۱ (۱۶ خرداد ۱۲۶۳) نوشته و برای او ارسال شده است و بخش‌های مورد نظر نیز توسط سیدمرتضی کاتب اصفهانی گزینش، استخراج و تدوین شده است. اصل این یادداشت در صفحه ۶۰۰ نسخه دست‌نویس شماره ۹۴۵۰/۱۱۳ در گنجینه مخطوطات کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

باتوجه به این‌که بخش‌های نخست، سوم و چهارم این گزیده تقریباً به یکدیگر پیوسته هستند، این سه بخش را در امتداد هم آورده و بخش دوم در پایان به‌طور مستقل و جداگانه درج خواهد شد. هم‌چنین اضافات مستنسخ داخل قلاب {} قرار گرفته، تا متن سهام‌الدوله و متن سیدمرتضی کاتب از یکدیگر قابل تمییز و تشخیص باشد.

### ■ انکشافات سفر یارمحمدخان سهام‌الدوله در سال ۱۳۰۱ هجری به گرگان

{انکشافات سفر گرگان یارمحمدخان سهام‌الدوله بجنوردی در سنه ۱۳۰۱}

که در نوشتجات موخره دهم شهر شعبان ۱۳۰۱ نوشته بود با اطلاعات حایه عبارت‌ه این است: { «مرقوم فرموده بودند که آن‌چه درین سفر گرگان مشاهده نمودید که تازگی داشته باشد، و اطلاعاتی که حاصل کرده است معروض دارد، از جمله گنبدقابوس است اگرچه مکرر دیده بود، ولی باین نحو ملتفت نشده بود: شهر جرجان در هیجده فرسخی استرآباد در سمت شرقی واقع است و تقریباً اطراف این شهر پانزده شانزده هزار ذرع می‌باشد، رود گرگان از وسط این شهر می‌گذشته، گنبدقابوس در کنار رود بالای تپه [ای] واقع است. بنای غریبی است، گمان ندارم در ایران همچو بنائی باشد. این گنبد میل مانند است و ارتفاع آن شصت ذرع است و قطر دایره آن پنجاه ذرع است در اصل ترکیباً بطور مخروطی ساخته شده؛ یعنی تا پنجاه ذرع بطور [استوانه] ساخته شده و از آن به بالا ده ذرع دیگرش مخروطی است. چیز تازه [ای] غیر از این دیده نشد. زیاده عرضی ندارد. ایام جلالت مستدام باد. دهم شهر شعبان المعظم عرض شده ۱۳۰۱. »

{اطلاعات حایه در حاشیه همین نوشته، نوشته است:}

«چون در این مأموریت به گرگان، مختار بود از جانب دولت بر هرچه که صلاح آنجا باشد، از تعمیر و غیره که باعث امنیت آن نواحی و تربیت ترکمانان سکنه گرگان گردد، مصلحت چنان دید که بنای عمارتی گذارد که موجب میل ترکمان‌های صحرانشین شود که خانه‌ها بنا کنند و از صحرانشینی و وحشیگری مأنوس شده [دست کشیده]، عمارات و قراء بنا کنند و کم‌کم قریه‌نشین و قصبه‌نشین گردند، گویا چنین هم شده و ترکمانان بنای ساختن قراء و عمارات نموده‌اند.»

{باین تقریب در نوشته دیگر نیز چنین نوشته است:}

«و در همین محلی که بنای این عمارت شده، در حین حفر کردن زمین که بنیاد دیوار گذاشته شود، قدری آجر بیرون شد، که از خشت‌های نظامی حالیه خیلی بزرگتر بلکه بقدر دو خشت نظامی و خیلی قطورتر، که بحسب تخمین بلکه بطور تصریح و یقین، هر خشتی مقدار پنج من تبریز است. چون این فقره هم از غرایب حالیه بود، عرض شد. زیاده مزاحمت افزای خاطر مبارک جناب جلالت مآب اجلّ عالی نشد، ایام جلالت مستدام باد. دهم شعبان المعظم عرض شد ۱۳۰۱».

■ **توضیح ۱:** سهام الدوله ارتفاع برج را ۶۰ ذرع و قطر پایه برج - از روی تپه - را ۵۰ ذرع ضبط کرده است، که این تناسب به نظر درست نمی‌آید. به عبارت دیگر طبق گزارش سهام الدوله ارتفاع برج از پایه (روی تپه) تا زیر مخروط ۵۰ ذرع و قطر آن نیز ۵۰ ذرع است و یا به عبارتی دیگر قطر ساختمان برج از تحتانی‌ترین قسمت روی تپه به اندازه‌ی پنج ششم ارتفاع برج از روی تپه تا نوک مخروط آن است. درحالی که قطر داخلی ساختمان برج ۹/۶۷ متر و قطر بیرونی آن نیز ۱۴/۶۳ متر و ارتفاع برج از روی تپه ۵۲ متر است. بنابراین قطر ساختمان برج کمی بیشتر از یک سوّم ارتفاع آن است.

■ **توضیح ۲:** خشت نظامی، یا آجر نظامی، یکی از انواع قدیمی آجر در ایران است. آجرهای نظامی که دارای شکل چهارگوش می‌باشند، در ادوار مختلف تاریخ دارای ابعاد متغیّری بوده‌اند. آجرهای نظامی در زمان نگارش مکتوب سهام الدوله (سال ۱۲۶۳ خورشیدی) حدوداً دارای ابعادی بین ۲۰\*۲۰ تا ۲۲\*۲۲ سانتی‌متر و قطر آن نیز بین ۴/۵ تا ۵ سانتی‌متر بوده است. بنابراین آجرهای مذکور، که دوبرابر آجر نظامی گزارش شده‌اند، دارای ابعادی در حدود ۴۰\*۴۰ سانتی‌متر و قطر ۱۰ سانتی‌متر بوده‌اند و هم‌چنین وزن آجرها که برابر با ۵ من تبریز ضبط شده، حدود ۱۵ کیلوگرم بوده است. مشخصات یادشده، گویای آن است که آجرهای کشف شده، از نظر اندازه و وزن شبیه به آجرهای دیوار بزرگ گرگان (دیوار قزل‌آلان) بوده‌اند. لکن ممکن است آن آجرها هم‌دوره با زمان ساخت دیوار گرگان؛ یعنی دوره ساسانی بوده باشند و یا آن‌که مربوط به سده‌های آغازین دوران اسلامی در شهر جرجان بوده‌اند. یعنی شاید مربوط به عمارتی مانند مسجد یا رباط در حاشیه شهر جرجان در دوران آل‌زیار و یا حتی دوره‌های بعدی، مانند دوره سلجوقی بوده باشند!

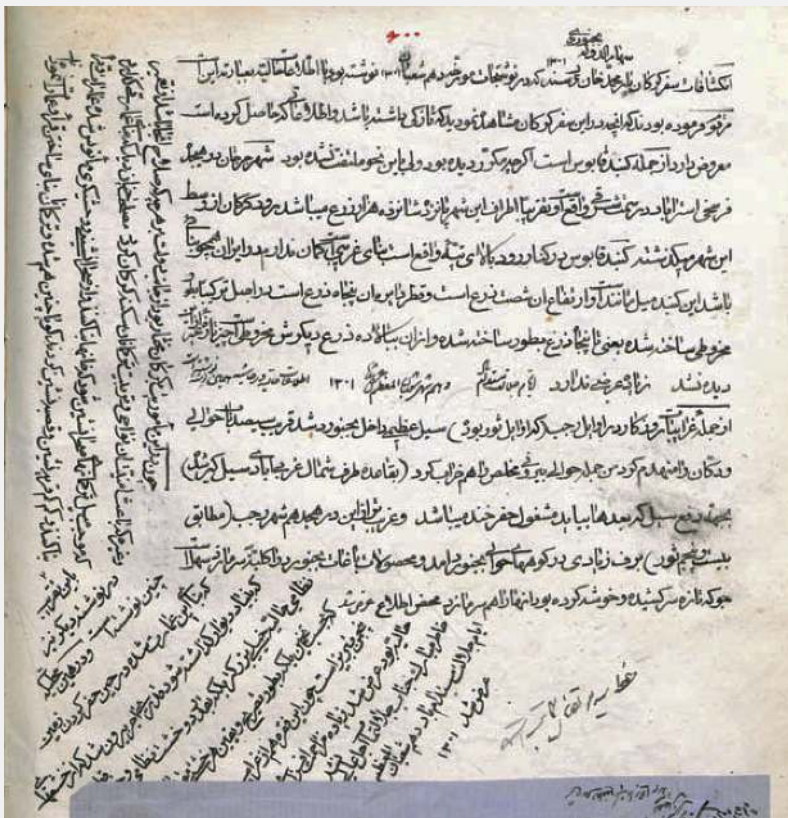
### ■ **گزیده دوّم؛ وقوع سیل و بارش برف بهاری در بجنورد**

«از جمله غرایبات روزگار، در اوایل رجب (که اوایل ثور بود) سیل عظیمی داخل بجنورد شد، قریب سیصد باب حوالی و دگان را منهدم کرد. من جمله حوالی بیرونی مخلص را هم خراب کرد (بقاعده طرف شمال غربی آبادی سیل‌گیر شده) به جهت رفع سیل که بعدها بیاید، مشغول حفر خند

می باشد. و غریب تر از این در هجدهم شهر رجب (مطابق بیست و پنجم ثور) برف زیادی در کوه های حوالی بجنورد آمد و محصولات باغات بجنورد را کلیتاً سرما زد. سهل است جو که تازه سرکشیده و خوشه کرده بود، آنها را هم سرما زد. محض اطلاع عرض شد».

■ **توضیح ۱:** واژه «حوالی» یا «حواله» در گویش اهالی بجنورد به معنی حیاط است، که البته در معنی منزل نیز به کار می رود. چنان که از متن بالا نیز چنان استنباط می شود که واژه «حوالی» که با واحد «باب» شمارش شده، به همان معنی سرا و خانه و منزل - با تمام ملحقات و متعلقات آن - باشد.

■ **توضیح ۲:** واژه «خند» که به همان معنی «خندق» است، یا در متن بالا به دلیل سهو کاتب به صورت «خند» نوشته شده و حرف «ق» اخر آن ساقط است و یا این شکل از ضبط واژه خندق، برگرفته از گویش اهالی بجنورد است!



متن دست نویسی «انکشافات سفر گرگان در ۱۳۰۱ق - ۱۲۶۳خ»

کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه دست نویسی شماره ۱۱۱۳/ ۹۴۵۰ - صفحه ۶۰۰